

شماره چاپ: ۱۱۲۸

دوره نهم - سال سوم

شماره ثبت: ۴۸۷

تاریخ چاپ: ۱۳۹۳/۵/۲۸

اظهار نظر کارشناسی درباره:
«طرح اصلاح موادی از قانون انتخابات
مجلس شورای اسلامی»

کد موضوعی: ۲۴۰

شماره مسلسل: ۱۴۳۰۵

خردادماه ۱۳۹۴

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده.....
۲.....	مقدمه.....
۳.....	بررسی طرح.....
۲۸.....	نتیجه گیری.....
۳۰.....	منابع و مأخذ.....



اظهار نظر کارشناسی درباره: «طرح اصلاح موادی از قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی»

چکیده

طرح حاضر که به منظور اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی ارائه شده است، اگرچه در اولین مرحله در مقام تأمین هماهنگی لازم جهت برگزاری همزمان انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری می باشد، لکن در چندین محور دیگر نیز به ارائه اصلاحاتی درخصوص این قانون پرداخته است. رویکرد کلی طرح علاوه بر اینکه در مواردی ضروری است، مثبت ارزیابی می شود و می تواند بخشی از اصلاحات مورد نیاز قانون مذکور را تأمین کند؛ هرچند با توجه به اینکه موضوع این طرح عمدتاً ناظر به مسائل اجرایی انتخابات است مناسب بود این امر از طرف مجری انتخابات و از طریق لایحه پیش‌بینی می گردید تا جوانب اجرایی مسئله نیز مفروض قرار می گرفت. همچنین بخشی از طرح حاضر علیرغم اینکه با اهداف مناسبی نظیر نظارت دقیق تر شورای نگهبان بر انتخابات و یا نظارت بر تبلیغات نامزدها پیش‌بینی شده است ولی با توجه به سازوکارهای در نظر گرفته، تأمین این اهداف و مطابقت آنها با قانون اساسی نیازمند بررسی است.

مقدمه

انتخابات مجالس نمایندگی یکی از برجسته‌ترین موضوعاتی بوده است که همواره نظام‌های سیاسی و حقوقی بدان توجه ویژه‌ای داشته‌اند. مجالس شورای اسلامی و خبرگان رهبری در نظام جمهوری اسلامی ایران نیز از جمله مجالسی هستند که تشکیل آنها از نمایندگان ملت وجه مشترک آنها می‌باشد. نمایندگان این مجالس هرچند منتخب یک شهر یا حوزه خاص هستند، لکن نماینده منتخب ملت ایران محسوب می‌شوند. مجلس خبرگان رهبری از جهت وظیفه خطیری که در انتخاب رهبر و نظارت بر ایشان دارد و مجلس شورای اسلامی از جهت اینکه مردم از طریق نمایندگان خود در آن به اعمال حاکمیت پرداخته و صلاحیتی که این نهاد در وضع قوانین دارد، دارای شأن و جایگاه والایی در نظام حقوقی و حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران هستند.

به تبع این جایگاه مهم، قواعد حاکم بر نحوه انتخاب نمایندگان این مجالس نیز از اهمیت اساسی برخوردار است و هرکدام از این مجالس در این حوزه دارای قواعد خاصی هستند. حال براساس مصوبه‌ای که مجلس خبرگان رهبری در اواخر دوره سوم به تصویب رساند، انتخابات دوره پنجم خبرگان همزمان با انتخابات دوره دهم مجلس شورای اسلامی برگزار خواهد شد. البته از آنجایی که برگزاری انتخابات دور پنجم خبرگان با دوره دهم مجلس شورای اسلامی مستلزم افزایش طول مدت دوره چهارم مجلس خبرگان رهبری بود این مسئله نیز در راستای اعمال اصل یکصد و هشتم قانون اساسی^۱ به تصویب مجلس خبرگان رهبری رسید و مدت دوره چهارم خبرگان رهبری از

۱. اصل یکصد و هشتم: قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان، کیفیت انتخاب آنها و آیین‌نامه داخلی جلسات آنان برای نخستین دوره باید به وسیله فقهای اولین شورای نگهبان تهیه و با اکثریت آرای آنان تصویب شود و به تصویب نهایی رهبر



۸ سال به ۹ سال افزایش یافت تا امکان این تجمیع صورت بگیرد. لازم به ذکر است که این افزایش دوره پیش از برگزاری انتخابات دوره چهارم به تصویب رسید و لذا مردم براساس قانون و با آگاهی نسبت به این امر اقدام به انتخاب نمایندگان این مجلس در دوره چهارم نمودند. اما مسئله‌ای که بدون تردید در این رابطه بروز خواهد یافت ضرورت در نظر گرفتن برخی ملاحظات جهت برگزاری همزمان این دو انتخابات می‌باشد.

«طرح اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی» در واقع به منظور تأمین همین ملزومات اجرایی این برگزاری همزمان اعلام وصول گردیده است. لکن طرح حاضر علاوه بر هدف فوق متضمن اصلاحات دیگری نیز در محورهای مختلف نظیر تبلیغات و تخلفات و جرائم انتخاباتی و محدوده رسیدگی به صلاحیت نامزدها می‌باشد که هر کدام واجد اهمیت اساسی است، لذا در این گزارش در دو بخش کلیات و جزئیات به بررسی طرح حاضر خواهیم پرداخت.

بررسی طرح

کلیات

در خصوص طرح حاضر چند مسئله کلی حائز اهمیت است. اول اینکه همان‌گونه که در مقدمه گزارش بیان شد از جمله اهداف اساسی این طرح هماهنگی لازم جهت برگزاری همزمان انتخابات مجلس شورای اسلامی و انتخابات مجلس خبرگان رهبری است. لذا توجه به چگونگی تنظیم قواعد حاکم بر برگزاری هر یک از این انتخابات‌ها از اولویت

انقلاب برسد. از آن پس هرگونه تغییر و تجدیدنظر در این قانون و تصویب سایر مقررات مربوط به وظایف خبرگان در صلاحیت خود آنان است.

برخوردار است. در خصوص انتخابات مجلس شورای اسلامی مطابق اصول شصت و دوم و شصت و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت که به طور مستقیم و با رأی مخفی انتخاب می‌شوند تشکیل می‌گردد» و «دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی چهار سال است. انتخابات هر دوره باید پیش از پایان دوره قبل برگزار شود به طوری که کشور در هیچ زمان بدون مجلس نباشد». همچنین مطابق اصل هفتم قانون اساسی تصویب قانون مربوط به طرز تشکیل و انتخابات مجلس شورای اسلامی برعهده مجلس می‌باشد. در این رابطه تاکنون قوانین متعددی وضع شده است که قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸/۹/۷ با اصلاحات بعدی آخرین اراده قانونگذار در این خصوص است.

همچنین قوانین دیگری نیز در خصوص برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی به تصویب قانونگذار رسیده است که «قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی» مصوب ۱۳۶۵/۹/۵ و «قانون تعیین محدوده حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی» مصوب ۱۳۶۵/۱۰/۳۰ و اصلاحات بعدی آن از جمله این قوانین هستند. اما در رابطه با انتخابات مجلس خبرگان رهبری براساس اصل یکصد و هشتم قانون اساسی «قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان، کیفیت انتخاب آنها و آیین‌نامه داخلی جلسات آنان برای نخستین دوره باید به وسیله فقهای اولین شورای نگهبان تهیه و با اکثریت آرای آنان تصویب شود و به تصویب نهایی رهبر انقلاب برسد. از آن پس هرگونه تغییر و تجدیدنظر در این قانون و تصویب سایر مقررات مربوط به وظایف خبرگان در صلاحیت خود آنان است».

در همین راستا «قانون انتخابات، تعداد، شرایط و آیین‌نامه داخلی مجلس خبرگان



رهبری» در جلسه مورخه ۱۳۵۹/۷/۱۰ فقهای شورای نگهبان، تنظیم و برای تصویب نهایی به پیشگاه امام خمینی (ره) تقدیم گردید. قانون مزبور در یک نوبت مورد اصلاح قرار گرفت که در تاریخ ۱۳۶۱/۵/۱۲ به تصویب فقهای شورای نگهبان و در تاریخ ۱۳۶۱/۶/۲۸ به تأیید امام خمینی (قدس سره) رسید.

مطابق ماده (۹) این قانون، «مجری انتخابات مجلس خبرگان، وزارت کشور است. آیین‌نامه اجرایی انتخابات به پیشنهاد وزارت کشور به تصویب شورای نگهبان خواهد رسید».

همچنین براساس تبصره «۱» این ماده نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان بر طبق قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی انجام می‌شود و آیین‌نامه اجرایی آن را، شورای نگهبان تصویب خواهد کرد.

به‌موجب ماده (۵) این قانون نیز «خبرگان، برای مدت ۸ سال، انتخاب می‌شوند و ۶ ماه به پایان هر دوره، باید انتخابات دوره بعد آغاز گردد، به طوری که سه ماه به پایان هر دوره، انتخابات دوره بعد خاتمه یافته باشد».

لذا همان‌گونه که مشاهده می‌شود انتخابات مجلس خبرگان رهبری هر ۸ سال و انتخابات مجلس شورای اسلامی هر چهار سال برگزار خواهد شد و ترتیبات برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی به موجب قانون مصوب مجلس تعیین می‌گردد، لکن این ترتیبات در مورد انتخابات مجلس خبرگان رهبری توسط خود این مجلس به تصویب می‌رسد.

حال با توجه به اینکه قوانین مربوط به مجلس خبرگان را خود این مجلس تصویب می‌کنند، همان‌گونه که در مقدمه متذکر شدیم، مجلس مزبور در اواخر دوره سوم

تصویب کرد که برگزاری دور پنجم خبرگان رهبری همزمان با انتخابات دوره دهم مجلس شورای اسلامی برگزار شود که این امر باعث شد به صورت استثنایی دوره چهارم مجلس خبرگان رهبری از ۸ سال به ۹ سال افزایش یابد که با توجه به صلاحیت خود مجلس خبرگان در تصویب قانون مربوط کیفیت انتخاب آنها و عدم اشاره به مدت دوره نمایندگی این مجلس در قانون اساسی بلاشکال می‌باشد.

البته لازم به ذکر است که به نظر می‌رسد مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز در مصوبه خود پیرامون سیاست‌های کلی انتخابات جهت پیشنهاد به مقام معظم رهبری به تجمیع انتخابات مجلس خبرگان رهبری و انتخابات مجلس شورای اسلامی تصریح نموده است.

حال با عنایت به مطالب مذکور به نظر می‌رسد از این پس انتخابات مجلس شورای اسلامی به صورت متناوب و هر دو دوره یکبار همزمان با انتخابات مجلس خبرگان رهبری برگزار خواهد شد، لکن مسئله اساسی که در رابطه با این موضوع وجود دارد این است که مطابق اصل یکصد و هشتم قانون اساسی قانون مربوط به کیفیت انتخابات مجلس خبرگان هم‌اکنون با خود این مجلس است و این مجلس در قانون مربوطه صرفاً به بیان کلیات بسنده نموده و از سوی دیگر عمده ضوابط و احکام مربوط به انتخابات این مجلس (از جمله ضوابط مربوط به نحوه تشکیل و ترکیب هیئت‌های اجرایی) در آیین‌نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری که توسط وزارت کشور تهیه و به تأیید شورای نگهبان رسیده است پیش‌بینی شده است و لذا اصلاح و تغییر آن نیز منوط به همین امر خواهد بود و می‌تواند بدون دخالت مجلس تغییر نموده و لذا هرگونه ترتیبی که در طرح حاضر برای این هماهنگی پیش‌بینی گردد نادیده انگاشته شود. بنابراین در



این خصوص مناسب بود وزارت کشور که از یکسو متولی برگزاری انتخابات هر دو مجلس می‌باشد و ازسوی دیگر تنظیم آیین‌نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس خبرگان نیز به وی محول شده است، پیش‌بینی‌های لازم را بدون نیاز به اصلاح قانون انتخابات مجلس، در آیین‌نامه اجرایی مربوط به انتخابات مجلس خبرگان می‌نمود و به تأیید شورای نگهبان می‌رساند.

مسئله دیگری نیز که در این رابطه قابل طرح می‌باشد، ایرادی است که ممکن است ازسوی شورای نگهبان در این خصوص وارد شود. زیرا در صورت یکسان نمودن هیئت‌های اجرایی انتخابات مجلس خبرگان با مجلس شورای اسلامی این هیئت‌ها متحمل وظایف دیگر بجز وظایف مربوط به انتخابات مجلس خبرگان می‌گردند و لذا از این حیث ممکن است به‌دلیل اینکه محول نمودن وظایفی به هیئت‌های اجرایی انتخابات مجلس خبرگان خارج از حیطه صلاحیت مجلس است با ایراد شورای نگهبان روبرو شود.

اما مسئله کلی دیگری که در رابطه با طرح حاضر وجود دارد این است که طرح حاضر باید به نحوی قانون انتخابات را اصلاح کند که در صورت عدم وقوع همزمانی برگزاری هر دو انتخابات در هر دوره‌ای، روند انتخابات با مشکل مواجه نگردد و به‌عبارت دیگر اجرای آن متوقف بر دیگری نباشد، لذا لازم است فارغ از قوانین و مقررات ناظر بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، کلیه احکام لازم در همین قانون پیش‌بینی گردد، به نحوی که مستقل از برگزاری همزمان دو انتخابات باشد و به‌صورت مستقل قابلیت اجرایی داشته باشد.

نکته دیگری که درخصوص طرح حاضر وجود دارد این است که هیئت‌های اجرایی

مشترک و فرمانداران در هر مورد باید نسبت به هر انتخابات مطابق قوانین خودشان عمل نمایند و پیش‌بینی‌های مقرر در طرح حاضر صرفاً ناظر به نحوه و ترکیب تشکیلات اجرایی انتخابات می‌باشد و ارتباطی با سایر احکام و ضوابط مربوط به هر انتخابات نظیر مهلت و نحوه ثبت‌نام، انتشار خبر ثبت‌نام و ابلاغ اسامی و دریافت شکایت در مهلت زمان مشخص، نحوه رأی‌گیری، اعلام نتایج و... ندارد. لذا هر انتخابات در این موارد تابع احکام خاص خود خواهد بود.

موضوع دیگری که لازم است پیش از ورود به بررسی جزئیات مطرح گردد، اصلاحاتی است که این طرح به‌منظور ایجاد سلامت در روند برگزاری انتخابات به خصوص در بعد تبلیغات نامزدها در نظر گرفته است. این اصلاحات اگرچه به‌دلیل خلأ کلی که هم‌اکنون در قانون انتخابات مجلس وجود دارد مثبت ارزیابی می‌گردد، لکن بدون تردید نمی‌تواند جهت تحقق کامل اهداف مزبور وافی به مقصود باشد، مسائلی همچون تعیین میزان هزینه‌های انتخاباتی، طرق تأمین این هزینه‌ها و شفافیت در روند هزینه‌کرد آنها از جمله ضروریاتی هستند که لازم است در این راستا مورد توجه قرار بگیرند.

حال پس از بیان مسائل کلی ناظر به طرح به بررسی جزئیات آن در مواد مطروحه

می‌پردازیم.



جزئیات

ماده (۱)

تبصره الحاقی موضوع این ماده به همزمانی انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری اشاره دارد. البته با توجه به اینکه انتخابات خبرگان هر ۸ سال یکبار برگزار می‌شود و انتخابات مجلس شورای اسلامی هر ۴ سال یکبار و لذا این همزمانی به صورت متناوب و هر دو دوره یکبار خواهد بود، تبصره الحاقی به درستی به این امر اشاره کرده است و مقرر داشته در دوره‌هایی که علاوه بر انتخابات مجلس شورای اسلامی، انتخابات مجلس خبرگان نیز برگزار خواهد شد انتخابات مجلس شورای اسلامی و انتخابات مجلس خبرگان به صورت همزمان در یک روز برگزار شود. لذا به صورت متناوب در هر دو دوره انتخابات مجلس این همزمانی اتفاق خواهد افتاد و لذا حکم تبصره مشروط به این همزمانی گردیده است. لذا تصویب این ماده مورد پیشنهاد

می‌باشد.

ماده (۲)

براساس این ماده افراد به منظور رأی دادن علاوه بر ارائه شناسنامه باید «شماره ملی» خود را نیز اعلام نمایند.

لزوم استفاده از شماره ملی افراد جهت اخذ رأی همواره به عنوان یکی از ابزارهای حفظ سلامت انتخابات و جلوگیری از تخلفات مدنظر بوده است و همین موضوع در انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای اسلامی شهر و روستا نیز پیش‌بینی شده است.

لازم به ذکر است که اگرچه مطلوب بود که افراد به جای شماره ملی ملزم به ارائه «کارت ملی» گردند ولی با توجه به اینکه این احتمال وجود دارد هنوز بسیاری از افراد از چنین کارتی برخوردار نباشند و این امر می‌تواند منجر به کاهش مشارکت مردم در انتخابات شود، لذا ارائه شماره ملی به جای کارت ملی از این حیث مناسب‌تر به نظر می‌رسد. لازم به ذکر است در قانون انتخابات ریاست‌جمهوری ابتدائاً به لزوم ارائه کارت ملی جهت اخذ رأی تصریح گردید و لیکن با توجه به ملاحظه مذکور در اصلاحات بعدی این الزام به ارائه شماره ملی (به جای کارت ملی) تغییر یافت.

تصویب این ماده مورد پیشنهاد می‌باشد.

ماده (۳)

این ماده در مقام اصلاح شرایط نمایندگی می‌باشد. توضیح آنکه هم‌اکنون به موجب بند «۱» ماده (۲۸) قانون انتخابات مجلس «اعتقاد و التزام عملی به اسلام و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران» یکی از شرایط انتخاب‌شوندگان محسوب شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود شرط مزبور قابل تفکیک در سه جزء مجزاست. یکی «اعتقاد عملی به اسلام»، دیگری «التزام عملی به اسلام» و دست آخر «اعتقاد و التزام عملی به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران». در وضعیت فعلی اگرچه نامزدی ممکن است فاقد تنها یکی از این شروط باشد و لیکن به دلیل اینکه هر سه جزء در یک شرط جمع شده به استناد کل بند مزبور رد صلاحیت خواهد شد و این امر علاوه بر اینکه می‌تواند حیثیت افراد را تحت الشعاع قرار بدهد، مانع شفافیت لازم در بررسی صلاحیت‌ها نیز خواهد بود.



لذا ماده پیشنهادی شروط مذکور در بند «۱» ماده (۲۸) فعلی را تفکیک نموده و تغییر ماهوی اساسی در این شروط نداده است.

لازم به ذکر است که اگرچه بند «۲» پیشنهادی «التزام عملی به انجام واجبات و ترک محرمات» را جایگزین «التزام عملی به اسلام» نموده است و لیکن منجر به تغییر ماهوی شرط فعلی نشده است و صرفاً معیار مشخصی برای تشخیص التزام عملی به اسلام به دست مقام ناظر داده است و لذا از این حیث مناسب می‌باشد. البته این امر ازسوی دیگر می‌تواند باعث بروز مشکل در نحوه اثبات این شرط گردد.

همچنین این نکته نیز قابل توجه است که به دلیل اینکه هم‌اکنون براساس تبصره «۱» فعلی ماده (۲۸) - داوطلبان نمایندگی اقلیت‌های دینی «از التزام عملی به اسلام» مذکور در بند «۱» مستثنا شده‌اند و بند مذکور در ماده پیشنهادی به سه بند مجزا تفکیک شده است استثنای مزبور ناظر به «اعتقاد و التزام عملی مذکور در بندهای «۱» و «۲»» شده است.

تصویب این ماده مورد پیشنهاد می‌باشد.

ماده (۴)

این ماده از جمله موادی است که در مقام ایجاد هماهنگی در برگزاری همزمان انتخابات مجلس شورای اسلامی و انتخابات مجلس خبرگان رهبری پیشنهاد شده است و براساس آن ترکیب هیئت اجرایی مرکز حوزه انتخابیه در انتخابات مجلس شورای اسلامی با هیئت اجرایی شهرستان و بخش در انتخابات مجلس خبرگان همسان شده است. بدین صورت که اولاً «دادستان» محل در هیئت اجرایی شهرستان و بخش در انتخابات

خبرگان عضویت دارد و لیکن عضو هیئت‌های اجرایی انتخابات مجلس نمی‌باشد. ثانیاً لازم بود تعداد معتمدین هیئت‌های اجرایی در هر دو انتخابات یکی شود که این مسئله نیز در این ماده در نظر گرفته شده است. ثالثاً از اعضای شوراهای اسلامی محل در هیئت‌های اجرایی انتخابات خبرگان عضو نیستند که به‌منظور این همسانی لازم بود این عضویت در هیئت‌های اجرایی انتخابات مجلس لغو شود.

تبصره اصلاحی پیشنهادی نیز به‌منظور یکی شدن هیئت‌های اجرایی هر دو انتخابات در دوره‌هایی که هر دو انتخابات با یکدیگر برگزار می‌شوند و جلوگیری نمودن از تشکیل دو هیئت اجرایی هم‌عرض در هر یک از حوزه‌های انتخابیه اصلی و فرعی پیش‌بینی شده است.

در خصوص این ماده لازم به ذکر است که در انتخابات مجلس دو نوع حوزه انتخابیه وجود دارد. یکی حوزه‌های انتخابیه اصلی و دیگری حوزه‌های انتخابیه فرعی. حوزه انتخابیه اصلی می‌تواند مرکز یک شهر یا بخش باشد و حوزه‌های فرعی نیز به همین صورت، لکن در انتخابات خبرگان رهبری به‌دلیل استانی بودن این انتخابات، حوزه اصلی و فرعی نداریم بلکه یک حوزه واحد تحت عنوان همان استان داریم که در این حوزه سه سطح از هیئت‌های اجرایی تشکیل می‌شود که متشکل از هیئت اجرایی مرکز استان (موضوع ماده (۲۸) آیین‌نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس خبرگان)^۱ و هیئت اجرایی

۱. ماده (۲۸) - بلافاصله پس از صدور دستور شروع انتخابات از طرف وزارت کشور، فرماندار یا سرپرست فرمانداری شهرستان مرکز استان موظف است ظرف مدت ۵ روز در مرکز حوزه انتخابیه، هیئت اجرایی را به ریاست خود و عضویت مدیر کل یا سرپرست اداره کل ثبت احوال استان، دادستان مرکز استان و ۸ نفر از معتمدین تشکیل دهد.



شهرستان و بخش (موضوع مواد (۳۳) و (۳۷) آیین‌نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس خبرگان)^۱ می‌باشند.

حال با توجه به این مسئله وجود هیئت اجرایی مرکز استان در انتخابات مجلس فاقد وجه می‌باشد و لذا در تبصره اصلاحی موضوع این ماده، صرفاً به یکی شدن هیئت اجرایی شهرستان و بخش در انتخابات مجلس خبرگان با هیئت اجرایی مرکز حوزه انتخابیه و حوزه‌های فرعی در انتخابات مجلس که همان هیئت اجرایی متشکل در شهرستان‌ها و بخش‌ها می‌باشد اشاره شده است.

تصویب این ماده مورد پیشنهاد می‌باشد.

ماده (۵)

این ماده نیز با هدف هماهنگی برگزاری همزمان انتخابات مجلس و خبرگان رهبری پیشنهاد شده است و براساس آن نحوه و روند تشکیل و ترکیب هیئت اجرایی مرکز حوزه انتخابیه در انتخابات مجلس با تشکیل هیئت اجرایی انتخابات خبرگان (حسب مورد شهرستان یا بخش) یکسان شده است. بر این اساس:

۱. به دلیل اینکه در انتخابات مجلس خبرگان معتمدین هیئت اجرایی از میان روحانیون و معتمدین اقشار مختلف مردم حوزه انتخابیه که بومی بوده و یا حداقل دارای

۱. ماده (۳۳) - فرماندار یا سرپرست فرمانداری شهرستان موظف است پس از وصول دستور فرماندار مرکز حوزه انتخابیه ظرف مدت پنج روز هیئت اجرایی شهرستان را به ریاست خود و با عضویت دادستان و ریاست و یا سرپرست اداره ثبت احوال شهرستان و ۸ نفر از معتمدین شهرستان تشکیل دهد.

ماده (۳۷) - بخشدار یا سرپرست بخشداری موظف است پس از وصول دستور فرماندار شهرستان ظرف مدت پنج روز هیئت اجرایی بخش را به ریاست خود و عضویت نماینده دادستان، رئیس ثبت احوال و یا نماینده معرفی شده از سوی ثبت احوال شهرستان و ۸ نفر از معتمدین بخش تشکیل دهد.

سه سال سابقه سکونت در حوزه انتخابیه باشند انتخاب می‌شوند،^۱ چنین شروطی جایگزین شروط معتمدین هیئت اجرایی در انتخابات مجلس شورای اسلامی شده است.

۲. با توجه به اینکه در تشکیل هیئت اجرایی انتخابات خبرگان، هیئت نظارت مزبور حداکثر ظرف مدت دو روز نسبت به تأیید صلاحیت معتمدین اظهار نظر می‌کند، در اینجا نیز مهلت سه روز به دو روز اصلاح گردیده است.

۳. اصلاح بعدی ناظر به تعداد معتمدین مورد نیاز می‌باشد که با توجه به اینکه این تعداد در هیئت اجرایی خبرگان ۸ نفر می‌باشد، تعداد ۹ نفر در اینجا نیز به ۸ نفر اصلاح شده است.

۴. اصلاح بند «۴» این ماده نیز در راستای هماهنگی روند ایجاد این هیئت‌ها پیش‌بینی شده است.

۵. تبصره «۲» اصلاحی پیشنهادی که در واقع در مقام همسانی شرایط معتمدین هیئت‌های اجرایی هر دو انتخابات می‌باشد مقرر داشته معتمدین این ماده باید دارای همان شرایط معتمدین هیئت‌های اجرایی موضوع انتخابات مجلس خبرگان رهبری باشند.

اما مسئله‌ای که در خصوص این قسمت از اصلاحات موضوع این ماده وجود دارد این است که همان‌گونه که سابقاً متذکر شدیم مرجع تصویب و اصلاح قانون انتخابات مجلس خبرگان خود مجلس خبرگان می‌باشد و لذا شرایط معتمدین هیئت اجرایی

۱. ماده (۲۹) آیین‌نامه اجرایی قانون انتخابات خبرگان - اعضای اداری هیئت اجرایی مرکز استان به‌منظور انتخاب معتمدین اصلی و علی‌البدل هیئت اجرایی، تشکیل جلسه داده و ۳۰ نفر از روحانیون و معتمدین اقشار مختلف مردم حوزه انتخابیه را که بومی بوده و یا حداقل دارای سه سال سابقه سکونت در حوزه انتخابیه باشند، انتخاب و مراتب را طی صورتجلسه‌ای برای تأیید به هیئت نظارت استان ارسال می‌کنند.

هیئت نظارت مزبور حداکثر ظرف دو روز نظر خود را در خصوص صلاحیت معتمدین به فرماندار اعلام خواهد نمود.



موضوع انتخابات مجلس خبرگان نیز توسط این مجلس قابل تغییر و اصلاح است، حال موقوف نمودن شرایط معتمدین هیئت‌های اجرایی انتخابات مجلس به شرایط مقرر در قانون انتخابات مجلس خبرگان در واقع تفویض قانونگذاری از سوی مجلس شورای اسلامی به مجلس خبرگان می‌باشد و لذا بهتر است شرایط موردنظر که هم‌اکنون در خصوص معتمدین هیئت‌های اجرایی انتخابات خبرگان وجود دارد در اینجا نیز عیناً تکرار شود و لذا پیشنهاد می‌شود تبصره «۲» به شرح ذیل اصلاح گردد که در واقع هدف این ماده نیز محقق می‌شود.

«تبصره «۲» - معتمدین این ماده باید دارای اعتقاد و التزام عملی به اسلام و نظام مقدس جمهوری اسلامی، وفادار به قانون اساسی و اصل متری ولایت مطلقه فقیه و حسن شهرت و سواد خواندن و نوشتن بوده و وابسته به گروه‌های غیرقانونی نبوده و محکومیت کیفری مؤثر نداشته باشند.

معتمدین هیئت اجرایی حوزه‌های اقلیت دینی از شرط ایمان و التزام عملی به اسلام معاف بوده و باید در دین خود ثابت‌العقیده و دارای امانت و وثوق باشند.

افرادی که در هیئت‌های اجرایی و شعب اخذ رأی هر انتخابات قبل مرتکب تخلف شده‌اند معرفی آنها در لیست معتمدین مجاز نمی‌باشد».

ماده (۶)

این ماده نیز در جهت فراهم آوردن ملزومات برگزاری همزمان انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری پیشنهاد شده است و مربوط به اصلاح نحوه کار هیئت‌های اجرایی می‌باشد و هماهنگ با سایر مواد مرتبط در این خصوص است.

توضیح آنکه اصلاحات مقرر در بند «۱» همان مفاد تبصره «۱» ماده (۳۴) فعلی است که با توجه به اضافه شدن «دادستان» به اعضای اداری هیئت‌های اجرایی، به‌طور کلی «مقامات اداری» جایگزین عناوین هریک از این مقامات قرار گرفته است و حکم این تبصره ناظر به همه آنها شده است.

علاوه بر این، اصلاحات مقرر در بند «۲» این ماده در بردارنده حکمی است که مشخص نموده در صورت عدم حضور **فرماندار یا بخشدار حسب مورد در جلسه هیئت‌های اجرایی** ریاست جلسه با چه فردی خواهد بود. در این رابطه با توجه به اینکه این حکم در آیین‌نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری وجود دارد و در انتخابات مجلس نیز وجود چنین حکمی ضروری است پیش‌بینی آن مناسب می‌باشد. هرچند عدم وجود آن نیز خللی به روند برگزاری جلسات هیئت اجرایی وارد نمی‌نماید و همواره جانشین مقامات مذکور واجد احکام لازم جهت جانشینی این مقامات می‌باشند.

اصلاح مقرر در بند «۳» نیز با توجه به اضافه شدن «دادستان» به عضویت هیئت اجرایی پیش‌بینی شده است.

تصویب این ماده مورد پیشنهاد می‌باشد.

**ماده (۷)**

این ماده در واقع به منظور فراهم آوردن مهلت زمان بیشتر جهت رسیدگی به صلاحیت نامزدهای انتخابات مجلس شورای اسلامی پیش‌بینی شده است. بر این اساس داوطلبان نمایندگی موظفند سه ماه پیش از شروع ثبت‌نام رسمی، داوطلبی خود را به هیئت نظارت استان ذیربط اعلام و مدارک مورد نیاز هیئت مزبور را جهت بررسی توسط هیئت‌های نظارت و شورای نگهبان ارائه نمایند. لذا بر این اساس شورای نگهبان مهلت زمان بیشتری جهت نظارت بر صلاحیت نامزدها در اختیار خواهد داشت. این مسئله از آنجایی حائز اهمیت است که بررسی صلاحیت نامزدها توسط شورای نگهبان ناظر به احراز صلاحیت آنها می‌باشد. به عبارت دیگر صلاحیت نامزدها باید توسط شورای نگهبان احراز گردد و بدون احراز، صلاحیت نامزدها تأیید نخواهد شد. لذا پیش‌بینی محدوده زمانی بیشتر می‌تواند منجر به احراز صلاحیت بیشتر و دقیق‌تر نامزدهای انتخابات شود. اما اگرچه حکم مزبور می‌تواند به دقت در رسیدگی به صلاحیت نامزدهای انتخابات منجر شود و تا حدود زیادی مشکل شورای نگهبان و نامزدهای انتخابات را به دلیل محدودیت زمان جهت احراز صلاحیت‌ها رفع نماید و لیکن مسئله حائز اهمیتی که در این خصوص قابل طرح می‌باشد این است که امر رسیدگی به صلاحیت نامزدها، فی نفسه یک امر اجرایی است و نظارت شورای نگهبان بر این امر، از باب صلاحیت نظارت شورای نگهبان بر انتخابات می‌باشد و در نتیجه آنچه مورد نظارت شورای نگهبان قرار می‌گیرد نتیجه رسیدگی هیئت‌های اجرایی انتخابات در خصوص صلاحیت نامزدهاست و از این رو است که وظیفه رسیدگی به صلاحیت نامزدها در مرحله نخست به هیئت‌های اجرایی انتخابات داده شده است. لذا اعلام داوطلبی به هیئت نظارت استان شورای

نگهبان و ارائه مدارک به این هیئت به صورت ابتدایی جهت بررسی صلاحیت‌ها، به نظر مغایر اصل شصتم قانون اساسی مبنی بر اعمال امور اجرایی کشور از طریق قوه مجریه است.

همچنین علاوه بر ملاحظه کلی فوق، حکم تبصره موضوع این ماده می‌تواند منجر به ورود زود هنگام جامعه در فضا و التهابات انتخاباتی شود که این خود تبعات خاص خود را دارد. هرچند حکم ذیل این تبصره که مقرر نموده اعلام و انتشار نامزدی افراد پیش از زمان ثبت نام موضوع ماده (۴۵) در رسانه‌ها ممنوع است با هدف جلوگیری از این مسئله بوده است و لکن به نظر نمی‌رسد این ممنوعیت مانع از بروز این پیامدها باشد.

ماده (۸)

مطابق تبصره الحاقی موضوع این ماده، هیئت نظارت استان موظف شده در مهلت اضافه‌ای که در ماده پیشین به هیئت نظارت استان جهت رسیدگی به صلاحیت نامزدها اعطا شده است، اظهارات و پاسخ آن دسته از نامزدهایی که در معرض رد یا عدم احراز صلاحیت هستند را اخذ کنند.

در این خصوص لازم به ذکر است که اگرچه مطابق قسمت اخیر تبصره «۲» «قانون لزوم رسیدگی دقیق به شکایات داوطلبین رد صلاحیت شده در انتخابات مختلف» «... در صورت تقاضای داوطلبان رد صلاحیت شده اولین مرجع رسیدگی‌کننده به شکایات، حسب مورد موظف است توضیحات و دفاعیات آنان را استماع نمایند» و لیکن با توجه به اینکه این موضوع مربوط به مرحله پس از رد صلاحیت می‌باشد و تبصره الحاقی موضوع این ماده ناظر به مرحله پیش از تصمیم‌گیری در خصوص رد و یا



عدم احراز صلاحیت نامزدها می‌باشد، پیش‌بینی چنین حکمی با هدف تضمین و عدم تضییع حقوق نامزدهای انتخابات می‌باشد؛ اما در این رابطه نیز مسئله مذکور در خصوص ماده پیشین می‌تواند وجود داشته باشد و مبنی بر ایراد وارده به ماده فوق مورد ایراد قرار بگیرد. همچنین حکم مذکور با ابهاماتی روبرو است. از جمله اینکه معلوم نیست هیئت نظارت استان در فرصت سه ماهه ملزم به اعلام نتیجه‌ای است یا خیر؟ و یا منظور از «مدارک» چیست. آیا همان مدارک مورد نیاز برای ثبت‌نام است و یا مدارکی که هیئت نظارت استان لازم بدانند؟!

ماده (۹)

تبصره موضوع این ماده و همچنین مواد بعدی با هدف شفافیت در هزینه‌ها و تبلیغات انتخاباتی و سلامت آنها پیش‌بینی شده است. حکم این تبصره اگرچه می‌تواند یکی از اقدامات لازم جهت تحقق هدف مذکور باشد و لیکن بدون تردید صرف ارائه فهرستی از هزینه‌های انتخاباتی به خودی خود نمی‌تواند وافی به مقصود باشد. تحقق این هدف مستلزم برخی مقدمات و همچنین پیامدهایی است که هیچ‌کدام در تبصره الحاقی مورد توجه قرار نگرفته است. در این خصوص می‌توان گفت اولین پیش‌شرط، لزوم پیش‌بینی میزان هزینه‌های انتخاباتی مجاز در هر انتخابات و هر حوزه است. چنین امری در پیش‌نویس سیاست‌های کلی انتخابات پیش‌بینی شده است. بنابراین شایسته است در اینجا نیز سازوکار لازم جهت تحقق این سیاست احتمالی پیش‌بینی شود. همچنین در این تبصره هیچ اشاره‌ای به زمان ارائه این گزارش و مستندات آن به خصوص نحوه تأمین هزینه‌های صورت گرفته نشده است و هیچ‌گونه ضمانت اجرا و اثری نیز در صورت عدم

انجام این امر از سوی نامزدها مقرر نشده است. لذا بدون این ملزومات نیل به هدف مورد نظر محل تردید است.

در این رابطه پیشنهاد می‌گردد اولاً مرجعی برای تعیین حدنصاب جهت هزینه‌های تبلیغاتی پیش‌بینی گردد. ثانیاً نامزدها موظف به ارائه مستندات نحوه تأمین این هزینه‌ها گردند، ثالثاً به زمان ارائه این گزارش تصریح شود، رابعاً برای تخلف از این وظیفه و ارائه اطلاعات غیرواقعی ضمانت اجرا در نظر گرفته شود و مرجع ناظر در صورت مشاهده تخلف مکلف به ارائه گزارش به مقامات قضایی باشد.

همچنین لازم به ذکر است به نظر نمی‌رسد رئیس هیئت نظارت استان مرجع مناسبی جهت دریافت گزارش موضوع این ماده باشد و بهتر است این گزارش به متولی اصلی نظارت بر امر تبلیغات که در این طرح تحت عنوان «کمیسیون بازرسی تبلیغات انتخابات مجلس شورای اسلامی» مورد پیش‌بینی قرار گرفته است، داده شود. لذا با توجه به نکات فوق و همچنین ترتیباتی که در ماده بعد برای نظارت بر تبلیغات پیش‌بینی شده است، پیشنهاد می‌گردد این ماده در قالب اصلاحاتی به‌عنوان یکی از تبصره‌های ماده بعد ذکر شود.

ماده (۱۰)

این ماده به‌منظور نظارت بر تبلیغات نامزدها و هزینه‌های آن، تشکیلاتی تحت عنوان «کمیسیون بازرسی تبلیغات انتخابات مجلس شورای اسلامی» مورد پیش‌بینی قرار داده است و ضمن بیان ترکیب کمیسیون مزبور، صلاحیت‌های آن را نیز تعیین نموده است. سازوکار پیش‌بینی شده در این ماده از جهت اینکه در قانون انتخابات مجلس هیچ



چارچوب و سازوکاری تاکنون برای نظارت بر تبلیغات در نظر نگرفته‌اند مناسب است. لکن در این ارتباط چند مسئله قابل توجه است:

اولین مسئله در رابطه با صلاحیت‌های این کمیسیون است، که این صلاحیت‌ها را می‌توان به شرح ذیل دانست:

۱. ارائه راهنمایی‌ها و ارشادهای لازم در چارچوب قوانین و مقررات در خصوص نحوه تبلیغات به نامزدها و ستادهای انتخاباتی،

۲. نظارت بر نحوه اجرای قانون توسط کاندیداها در طول دوره انتخابات،

۳. تذکر به نامزدها و مسئولین ستادها در صورت مشاهده هرگونه تخلف در انجام تبلیغات توسط نامزدها و یا ستادهای انتخاباتی،

۴. اعلام تخلف به هیئت نظارت استان در صورت تکرار پس از بررسی تخلف.

اما مسئله‌ای که درخصوص این صلاحیت‌ها وجود دارد این است که موارد مذکور با ابهامات متعددی مواجه است. اول اینکه اگرچه نظارت بر نحوه اجرای قانون توسط کاندیداها در طول دوره انتخابات به‌عهده این کمیسیون نهاده شده است و لیکن مشخص نیست این نظارت با چه سازوکاری صورت می‌پذیرد؟ آیا این امر از طریق مشاهده نحوه تبلیغات می‌باشد؟ آیا نامزدها و ستادها به‌منظور تحقق این نظارت مسئولیت خاصی دارند و مکلف به فراهم آوردن زمینه نظارت از قبیل ارائه اسناد و مدارک لازم و یا اطلاع دادن هستند؟

دومین مسئله‌ای که درخصوص این صلاحیت‌ها وجود دارد مربوط به اعمال تذکر در صورت ارتکاب تخلف ازسوی نامزدهاست. زیرا در صورت ارتکاب تخلف ازسوی نامزدها علی‌الاصول می‌بایست در صورتی که تخلف ارتكابی مستوجب مجازات قانونی

باشد، اعم از اینکه در مرحله نخست باشد یا تکراری، مجازات مزبور اعمال گردد. به‌عنوان مثال در ماده (۶۵) مکرر الحاقی موضوع ماده (۱۳) همین طرح برای برخی تخلفات تبلیغاتی مجازات در نظر گرفته شده است. حال با توجه به صلاحیت کمیسیون مزبور این سؤال قابل طرح است که در صورت ارتکاب این تخلفات توسط نامزدها و یا ستادهای انتخاباتی در مرحله نخست صرفاً به ایراد تذکر بسنده خواهد شد و یا مرجع قضایی ملزم به اعمال مجازات براساس قانون خواهد بود؟

مسئله دیگری که در خصوص این ماده وجود دارد این است که براساس ذیل تبصره «۱» این ماده نامزدها و ستادهای انتخاباتی موظفند براساس راهنمایی‌های کمیسیون مذکور عمل کنند و از انجام هزینه‌های غیرمتعارف خودداری نمایند. در این خصوص نیز مشخص نیست منظور از هزینه‌های غیرمتعارف چیست و چه معیار و ضابطه‌ای جهت متعارف شناختن این هزینه‌ها وجود دارد؟ همچنین در صورت عدم ترتیب اثر به این راهنمایی‌ها و یا انجام هزینه‌های غیرمتعارف چه ضمانت اجرایی وجود خواهد داشت.

در خصوص ترکیب این کمیسیون نیز یک نکته حائز اهمیت است. اگرچه در صدر ماده مقرر شده که این کمیسیون زیر نظر رئیس ستاد انتخابات تشکیل خواهد شد ولی نقش این مقام در آن مشخص نشده و معلوم نیست آیا رئیس ستاد انتخابات رئیس این کمیسیون محسوب می‌شود یا خیر.

لذا با عنایت به نکات فوق و همچنین مسائل مذکور در ماده قبلی پیشنهاد می‌شود این ماده به شرح ذیل اصلاح شود:

ماده (۵۷) به شرح ذیل اصلاح می‌شود:

به‌منظور نظارت و کنترل نحوه تبلیغات نامزدها و احزاب و هزینه‌های آن، در مرکز



هر حوزه انتخابیه هیئتی به نام هیئت بازرسی تبلیغات و هزینه‌های انتخاباتی زیر نظر رئیس ستاد انتخابات حوزه مربوطه در محل فرمانداری یا بخشداری مرکز حوزه انتخابیه با ترکیب زیر تشکیل می‌گردد:

۱. فرماندار یا بخشدار مرکز حوزه انتخابیه یا نماینده وی،
۲. رئیس هیئت نظارت استان یا نماینده وی،
۳. نماینده رئیس دادگستری،
۴. نماینده اداره کل بازرسی استان،
۵. شهردار مرکز حوزه انتخابیه یا نماینده وی،
۶. نماینده صداوسیما،
۷. نماینده نیروی انتظامی،
۸. نماینده سپاه پاسداران.

وظایف این کمیسیون به شرح زیر می‌باشد:

۱. ارائه راهنمایی‌ها و ارشادات لازم در چارچوب قوانین و مقررات در خصوص نحوه تبلیغات به نامزدها و ستادهای انتخاباتی،
۲. بازرسی و نظارت مستمر و منظم بر میزان و نحوه تبلیغات و انجام هزینه‌های انتخاباتی نامزدها و احزاب در هر حوزه انتخابیه در طول دوره انتخابات،
۳. انتشار منظم گزارش حساب‌های مالی نامزدها و احزاب و هزینه‌های انتخاباتی آنها جهت اطلاع عموم.

تبصره «۱»- کلیه نامزدها و احزاب سیاسی در هر حوزه موظفند کلیه مخارج و هزینه‌های تبلیغات انتخاباتی و میزان کمک‌های مالی نقدی و غیرنقدی دریافتی را

بلافاصله در فرم مخصوصی که از سوی وزارت کشور تهیه می‌شود درج و به هیئت موضوع این ماده تحویل دهند و پس از برگزاری انتخابات گزارش جامع آن را به این هیئت ارسال کنند.

در صورت تخلف از حکم این تبصره مرتکبین علاوه بر مجازات موضوع ماده (۶۵) مکرر این قانون، به هشت سال محرومیت از نامزدی انتخابات محکوم خواهند شد.

تبصره «۲»- کمیسیون بازرسی تبلیغات در صورت مشاهده هرگونه تخلف در انجام تبلیغات و هزینه‌های انتخاباتی، توسط نامزدها و احزاب موظف است مراتب را پس از بررسی به هیئت نظارت استان اعلام نماید.

تبصره «۳»- آیین‌نامه اجرایی این ماده مشتمل بر مشخصات فرم موضوع تبصره «۱» و نحوه تنظیم آن، ضوابط مربوط به تشکیل جلسات و نحوه فعالیت هیئت‌های موضوع این ماده ظرف مهلت یک ماه از زمان تصویب این قانون توسط وزارت کشور تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

ماده (۱۱)

این ماده با هدف تضمین بیشتر سلامت انتخابات و حفظ استقلال دست‌اندرکاران انتخابات پیش‌بینی شده است و در این راستا به اصلاح ماده فعلی نیز که در همین زمینه می‌باشد پرداخته است.

براساس ماده فعلی «اعضای هیئت‌های اجرایی و نظارت انتخابات حق تبلیغ له یا علیه هیچ‌یک از داوطلبان انتخاباتی را نخواهند داشت». بنابراین حکم مذکور تنها ناظر به اعضای هیئت‌های اجرایی و نظارت انتخابات است و دامنه محدودیت مذکور نیز صرفاً



در خصوص تبلیغ له یا علیه داوطلبان انتخاباتی می‌باشد؛ لکن ماده اصلاحی در هر دو موضوع دچار اصلاحاتی شده است. به این صورت که اولاً دامنه مقامات و اشخاص موضوع محدودیت مذکور در این ماده را به نحو قابل ملاحظه‌ای به صورت دقیق مشخص نموده است و در این راستا کلیه دست‌اندرکاران امر اجرا و نظارت در سطوح مختلف از بالاترین مرتبه تا پایین‌ترین آنها را مشمول حکم این ماده قرار داده است؛ به گونه‌ای که علاوه بر اعضای هیئت‌های اجرایی و نظارت، اعضای شورای نگهبان، رئیس‌جمهور، وزیر کشور و معاونین و مشاورین آنها، رئیس ستاد انتخابات کشور، استانداران، فرمانداران و معاونین و مشاورین آنها و اعضای هیئت‌های اجرایی انتخابات و سایر دست‌اندرکاران امور اجرایی و نظارتی انتخابات مشمول حکم این ماده قرار گرفته‌اند.

ثانیاً موضوع محدودیت مقرر را از تک‌بعدی بودن خارج نموده و ناظر به ماهیت اقدامات مقامات موضوع این ماده نموده است و لذا محدودیت از تبلیغ له یا علیه نامزدها فراتر رفته و شامل هرگونه اعلام نظر به نفع یا به ضرر نامزدها و جریانات سیاسی در انتخابات شده است. این امر نیز بدون شک با هدف اولیه قانونگذار از پیش‌بینی چنین حکمی سازگارتر است. زیرا امروزه اغلب نامزدها در قالب جریانات سیاسی قرار می‌گیرند و تبلیغ و اعلام نظر به نفع یا به ضرر آنها در واقع تبلیغ و اعلام نظر به نفع یا به ضرر کاندیداهای واقع در آن جریان است.

همچنین به منظور تضمین این حکم ضمانت اجرایی نیز در نظر گرفته است که هرچند ناچیز است ولیکن با توجه به اثری که این محکومیت می‌تواند در بازخورد جامعه داشته باشد می‌تواند تضمین‌کننده اجرای این حکم محسوب گردد.

لذا تصویب این ماده مورد پیشنهاد می‌باشد.

ماده (۱۲)

این ماده با هدف مقید نمودن ممنوعیت مطلقى که در ماده (۶۱) فعلی برای برخی فعالیت‌های تبلیغاتی وجود دارد پیش‌بینی گردیده است. بر این اساس الصاق اعلامیه، پوستر و هرگونه آگهی تبلیغاتی بر روی مکان‌های عمومی و اماکن بخش خصوصی (در صورت عدم رضایت آنها) مورد ممنوعیت قرار گرفته است. درحالی که براساس ماده فعلی هرگونه الصاق و نصب اعلامیه، عکس، پوستر و بنر و پارچه‌های تبلیغاتی به‌طور مطلق مورد ممنوعیت قرار گرفته است. بنابراین اصلاح مزبور علاوه بر اینکه عدم استفاده از مکان‌ها و یا امکانات عمومی برای تبلیغات نامزدها را مورد ملاحظه قرار داده است، اطلاق ممنوعیت فعلی را در راستای ایجاد نوعی فضای انتخاباتی مقید نموده است.

لازم به ذکر است که مجازات تخلف از موضوع این ماده در ماده (۸۲) قانون انتخابات مجلس پیش‌بینی شده است.

تصویب این ماده مورد پیشنهاد می‌باشد.**ماده (۱۳)**

این ماده علاوه بر اینکه برخی ممنوعیت‌های موجود در قانون در خصوص تبلیغات را مورد جرم‌انگاری قرار داده و به صراحت برای آنها مجازات تعیین نموده است، برخی از تخلفات در خصوص فعالیت‌های تبلیغاتی را نیز ممنوع و برای آنها مجازات تعیین کرده است. لذا این امر علاوه بر اینکه خلأ قانونی موجود را برطرف نموده است، سایر موارد تخلف را نیز حتی‌المقدور به‌صورت مشخصی تعیین و برای آن مجازات در نظر گرفته است.



اما نکته قابل طرحی که درخصوص این ماده قابل اشاره است مجازاتی است که برای تخلفات موضوع این ماده در نظر گرفته شده است. بدین صورت که براساس ذیل ماده، متخلفین از این ماده به یکی از مجازات‌های درجه شش موضوع ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شوند. این مجازات‌ها عبارتند از:

- حبس بیش از شش ماه تا دو سال،
 - جزای نقدی بیش از بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا هشتاد میلیون (۸۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال،
 - شلاق از ۳۱ تا ۷۴ ضربه و تا ۹۹ ضربه در جرائم منافی عفت،
 - محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از شش ماه تا پنج سال،
 - انتشار حکم قطعی در رسانه‌ها،
 - ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی برای اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال،
 - ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه برای اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال،
 - ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری توسط اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال،
- حال مسئله‌ای که درخصوص مجازات تعیین شده وجود دارد این است که با توجه به انواع و مراتب متفاوت مجازات مزبور به نحو مشخصی هرمجازات‌ی به جرم خاصی منطبق نگردیده است و به عبارت دیگر تعیین نشده که هر تخلف مشمول کدام مجازات خواهد شد. در این رابطه باید توضیح داد که اگرچه نکته مذکور قابل توجه می‌باشد،

لیکن ماهیت تخلفات مذکور و امکان ارتکاب آنها در محدوده‌های متفاوت باعث می‌شود که این امکان وجود نداشته باشد که به‌صورت کاملاً دقیق مجازات متناسب با هر کدام تعیین شود. لذا می‌توان حتی‌المقدور دامنه مشخصی از مجازات را تعیین نمود و اعمال حداقل و حداکثر و نوع آن را با توجه به دامنه و وسعت جرم ارتكابی به قاضی سپرد. البته این امر نافی این نخواهد بود که ضابطه‌ای در این رابطه به‌دست داد تا قاضی در اعمال مجازات مقرر آن را مدنظر قرار دهد.

تصویب این ماده مورد پیشنهاد می‌باشد.

نتیجه‌گیری

«طرح اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی» در چندین محور به اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی پرداخته است که عمده‌ترین آن ناظر به هماهنگی برگزاری همزمان انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری می‌باشد. لزوم این هماهنگی به‌دلیل جلوگیری از تداخلاتی که در امر اجرای انتخابات محتمل می‌باشد ضروری ارزیابی می‌گردد. طرح حاضر در این راستا سعی کرده کلیه جوانب این همزمانی را درنظر بگیرد، و لیکن با توجه به اینکه موضوع مذکور بیشتر ناظر به جنبه‌های اجرایی انتخابات می‌باشد، علاوه بر اصلاحات موضوع این طرح، ملاحظه جوانب مذکور نیز در تصویب طرح حاضر ضروری است.

اما علاوه بر محور فوق طرح حاضر دربردارنده ابعاد دیگری نیز است که از جمله آنها اصلاح شرایط نامزدهای انتخابات مجلس شورای اسلامی است که اصلاح صورت گرفته صرفاً در مقام تفکیک میان شرایط مقرر در قانون فعلی به‌منظور امکان بررسی و



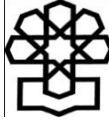
اظهار نظر دقیق تر مراجع ذیصلاح جهت بررسی صلاحیت نامزدها بوده است و از این حیث مثبت تلقی می شود.

موضوع دیگری که در این طرح بدان پرداخته شده است مربوط به اصلاح ترتیب رسیدگی به صلاحیت نامزدهاست. بر این اساس نامزدها مکلف شدند پیش از زمان ثبت نام رسمی، داوطلبی و مدارک خود را جهت بررسی صلاحیتشان به هیئت های نظارت استان شورای نگهبان اعلام و ارسال کنند. این امر اگرچه می تواند به بررسی دقیق تر صلاحیت ها کمک کند ولی با توجه به ماهیت بررسی صلاحیت نامزدها در انتخابات که امری اجرایی قلمداد می گردد، اعطای وظیفه بررسی اولیه صلاحیت نامزدها به شورای نگهبان با توجه به ماهیت اجرایی آن، از حیث مغایرت با اصل شصتم قانون اساسی واجد ایراد است.

محور دیگری که این طرح در مقام پرداختن به آن بوده است، تبلیغات انتخاباتی و محدودیت های آن می باشد. بررسی احکام طرح حاضر در این خصوص نشان می دهد که اگرچه این احکام در بردارنده ترتیباتی جدید در این خصوص بوده، لکن این امور بدون توجه به دیگر الزامات منطقی و همچنین قانونی لازم نمی تواند به خودی خود وافی به مقصود باشد، لذا لازم است در تصویب این احکام این ملاحظات نیز در نظر گرفته شود.

منابع و مأخذ

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
 ۲. قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی.
 ۳. قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی.
 ۴. قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری.
 ۵. آیین‌نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس خبرگان.
6. <http://www.shora-gc.ir/>
 7. <http://www.majlesekhobregan.ir/>



شماره مسلسل: ۱۴۳۰۵

مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: اظهارنظر کارشناسی درباره: «طرح اصلاح موادی از قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی»

نام دفتر: مطالعات حقوقی (گروه عمومی)

تهیه و تدوین‌کنندگان: سیدمجتبی حسینی پور اردکانی، احمد حکیم‌جوادی

ناظر علمی: حامد ناظمی

مقتضی: کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس

همکار: محمدرضا شمس‌ا (دفتر مطالعات سیاسی)

همکاران خارج از مرکز: —

اظهارنظرکنندگان خارج از مرکز: —

ویراستار تخصصی: حامد ناظمی

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی: —



تاریخ شروع مطالعه: ۱۳۹۳/۶/۲۵

تاریخ خاتمه مطالعه: ۱۳۹۴/۳/۳۰

تاریخ انتشار: ۱۳۹۴/۳/۳۱